

پژوهش‌نامه نقد وهابیت؛ سراج منیر ♦ سال چهاردهم ♦ شماره ۵۵ ♦ پاییز ۱۴۰۳  
صفحات: ۸۵-۶۷ ♦ تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۶/۲۶ ♦ تاریخ تأیید: ۱۴۰۳/۰۹/۰۹



## بررسی تطبیقی دیدگاه احناف با وهابیت درباره نذر مسلمانان

مصطفی مهاجر\*

### چکیده

این پژوهش با هدف بررسی و تحلیل تطبیقی دیدگاه فقه حنفی و نگرش وهابیت نسبت به نذر، به‌ویژه نذرهایی که با نیت تقرب به خداوند انجام می‌شود و ثواب آن به ارواح اموات یا اولیای صالح اهدا می‌گردد، انجام شده است. طبق نظرات معتبر تمامی مذاهب اسلامی، از جمله فقه حنفی، نذر باید با هدف تقرب به خداوند صورت گیرد. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که در فقه حنفی، مشروعیت این نوع نذر و اعمال مشابه آن با نیت تقرب به خداوند مورد تأیید شرع است. درحالی که علمای وهابی آن را شرک، غیرمشروع و در تضاد با اصول توحیدی خود می‌دانند. پژوهش حاضر، تفاوت‌های مبنایی و رویکردی این دو دیدگاه را در زمینه نذر تبیین کرده و نشان داده است که اختلاف در برداشت از مفاهیم توحید، عبادت و مشروعیت اعمال عبادی، ریشه اصلی تعارض میان این دو نگرش فقهی و اعتقادی است.

**کلیدواژه‌ها:** نذر، احناف، وهابیت، مسلمانان، شرک، عبادت.

---

\* کارشناسی ارشد موسسه مذاهب اسلامی و پژوهشگر نقد وهابیت

## مقدمه

مسئله نذر مسلمانان یکی از موضوعات مهم در تاریخ فقه اسلامی است که از زمان ظهور وهابیت، به مسأله‌ای اعتقادی تبدیل شده و بهانه‌ای برای تکفیر و مهدورالدم دانستن مسلمانان گردیده است. یکی از مسائلی که محمد بن عبدالوهاب و پیروان وی شرک و عبادت غیر الله می‌پندارند، نذر مسلمانان برای اولیای الهی است. در این راستا، بسیاری از علما از مذاهب مختلف اسلامی، در برابر این دیدگاه واکنش نشان داده و مطالب متعددی در رد آن بیان کرده‌اند.

مذهب حنفی که بزرگ‌ترین مذهب فقهی اهل سنت و یکی از پرجمعیت‌ترین مذاهب اسلامی است، به‌طور خاص در مسائل فقهی و اعتقادی با وهابیت اختلاف نظر دارد. یکی از موارد این اختلاف، مسئله نذر است. نذر در اسلام مصادیق متنوعی دارد که یکی از آنها، نذری است که به نیت تقرب به خداوند و اهدای ثواب آن به افراد مختلف است. علمای فقه حنفی تردیدی در جواز این نوع نذر ندارند و آن را عملی مشروع می‌دانند، درحالی‌که وهابیت نه تنها با این دیدگاه مخالفت دارند، بلکه آن را یکی از مصادیق شرک در عبادت می‌پندارند.

با توجه به اهمیت موضوع مذکور، ضرورت ایجاب می‌کند که مسئله نذر مسلمانان به ویژه احناف به طور مستقل و دقیق از منظر هر دو گروه، مورد تبیین و بررسی قرار گیرد تا تفاوت‌ها و شباهت‌های این دو دیدگاه به روشنی آشکار شود. این مقاله در پی آن است که با بررسی تطبیقی این دیدگاه‌ها، زوایای مختلف اختلافات فقهی و اعتقادی میان این دو مذهب را مورد تحلیل قرار دهد.

## تعریف نذر

«نذر» در لغت به این معنا است که انسان چیزی را بر خود واجب کند<sup>۱</sup> و در اصطلاح به این معنا است که فرد، بر چیزی را که شرع بر او لازم نکرده، بر خود واجب گرداند.<sup>۲</sup>

۱. «التَّذْرُ: مَا يَنْذِرُ الْإِنْسَانَ فَيَجْعَلُهُ عَلَى نَفْسِهِ نَحْبًا وَاجِبًا» (فراهیدی، خلیل، العین، ج ۸، ص ۱۸۰؛ زبیدی، محمد، تاج العروس، ج ۱۴، ص ۱۹۷)

۲. ابن‌اثیر، مبارک، النهایة فی غریب الحدیث والأثر، ج ۵، ص ۳۹؛ جزیری، عبدالرحمن، الفقه علی المذاهب الأربعة، ج ۲، ص ۱۲۷؛ ابن‌ادریس، منصور، کشف القناع عن متن الإقناع، ج ۶، ص ۲۷۳.

چنان که خداوند به حضرت مریم، فرمان می‌دهد که بگوید: «فَقُولِي إِنِّي نَذَرْتُ لِلرَّحْمَنِ صَوْمًا»؛<sup>۱</sup> «برای خدای رحمان، نذر روزه کرده‌ام».

بنا بر اتفاق مذاهب اسلامی، نذر باید با قصد قربت و برای تقرب به خداوند باشد و اگر چنین نیتی نباشد، نذر باطل است.<sup>۲</sup> همچنین نذر باید برای خدا باشد و اگر کسی موجود دیگری را به جای خدا قرار دهد و همان جایگاه را اعم از الوهیت و ربوبیت برای آن قائل باشد، یقیناً دچار شرک شده، اما اگر قصدش، الوهیت و ربوبیت نباشد، دچار شرک نشده است.

### نذر مسلمانان از دیدگاه وهابیت

صیغه نذری که در میان مسلمانان جریان دارد، ممکن است به صورت‌های زیر بیان شود:

۱. نذر برای خداوند متعال با صیغه شرعی آن، مانند اینکه کسی بگوید: «لله علیّ ان اصوم» و یا بگوید: «یا الله انی نذرت لك ان شفیت مریضی، أو رددت غائبی أو قضیت حاجتی أن أطعم الفقراء الذين بباب السيدة نفیسة، أو الفقراء الذين بباب الإمام الشافعی، أو الإمام اللیث، أو أشتري حصرا لمساجدهم، أو زيتا لوقودها أو دراهم لمن يقوم بشعائرها إلى غیر ذلك مما يكون فيه نفع للفقراء والنذر لله عز وجل؛ خداوند من برای تو نذر کردم که اگر مریضم را شفا بدهی یا گمشده‌ام را بر گردانی یا حاجتم را بر آورده کنی، فقرائی که بر در مقبره سیده نفسیه، یا مقبره شافعی یا مقبره لیث می‌آیند را اطعام کنم یا حصیر برای مساجد بخرم، یا روغنی برای چراغ مساجد بگیرم یا به کسی که برای شعائر آنان قیام می‌کند، مبلغی پرداخت کنم و اموری که فقرا از آن نفع می‌برند، درحالی که نذر برای خداوند است.<sup>۳</sup>

۲. نذر برای غیر الله: در این صورت، فرد برای تقرب به غیر خداوند (مانند اولیا الهی

۱. سوره مریم، آیه ۲۶.

۲. جزیری، عبدالرحمن، الفقه علی المذاهب الأربعة، ج ۲، ص ۱۲۷.

۳. ابن نجیم، زین الدین، البحر الرائق شرح کنز الدقائق، ج ۲، ص ۵۲۰.

یا شخص دیگری) صیغه نذر را به کار می‌برد.

۳. نذر برای خداوند به نفع اموات: در این حالت، فرد نذر را تنها برای خداوند انجام می‌دهد، اما منفعت آن را به درگذشتگان اختصاص می‌دهد.

از میان صورت‌های نذر فوق، مورد اول مورد اتفاق است و هیچ اشکالی در آن نیست اما مورد دوم و سوم مورد انکار وهابیت قرار گرفته است که در ادامه، مورد بررسی قرار می‌گیرد.

### ۱. نذر برای غیر الله

وهابیان بر این عقیده هستند که نذرکردن، عملی عبادی است که باید تنها برای خداوند و تقرب به او انجام شود و در غیر این صورت شرک است.<sup>۱</sup> بن‌باز مفتی سابق وهابیت تصریح می‌کند، کسی که برای یکی از اهل بیت علیهم‌السلام یا برای شخص دیگری مانند شیخ عبدالقادر یا فلانی یا سیده زینب یا سیده نفیسه یا حتی رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم نذر کند، این نذر شرک اکبر و باطل است، زیرا نذر مانند، نماز، روزه، ذبح و دعا عبادت بوده و مخصوص ذات خداوند می‌باشد.<sup>۲</sup>

سلیمان نوّه محمد بن عبدالوهاب،<sup>۳</sup> بن‌عثیمین<sup>۴</sup> و دیگران،<sup>۵</sup> این نوع از نذر را شرک اکبر می‌دانند. از دیدگاه آنان، نذر عملی عبادی می‌باشد و عبادت مختص به ذات الهی است؛ لذا این نوع نذر، منعقد نشده و کفار هم ندارد و نذرکننده، مشرک بوده و باید توبه کند.<sup>۶</sup>

برخی دیگر از وهابیان برای اثبات شرک اکبر بودن چنین نذری به سخنان ابن تیمیه و

۱. «حکم النذر لغیر الله شرک؛ لأنه عبادة للمنذور له، وإذا كان عبادة؛ فقد صرفها لغیر الله فیکون مشرکا» (بن‌عثیمین، محمد، مجموع فتاوی ورسائل، ج ۹، ص ۲۳۹).

۲. «وهكذا الصالحون مثل علي عليه السلام، ومثل الحسين ومثل الحسن ومثل نفيسة ومثل زينب، كلهم برأء ممن عبدهم من دون الله، لا يرضون بذلك، وعبادتهم شرک بالله عز وجل، ... فمن دعاهم أو استغاث بهم أو نذر لهم، ... فقد أشرك بالله» (بن‌باز، عبدالعزيز، فتاوی نور علی الدرب، ج ۱۱، ص ۳۸۰).

۳. «فإن نذر لمخلوق تقرّباً إليه ليشفع له عند الله، ويكشف ضره ونحو ذلك فقد أشرك في عبادة الله تعالى غيره ضرورة، كما أن من صلى لله وصلى لغيره، فقد أشرك، كذلك هذا» (عبدالوهاب، سلیمان، تیسیر العزیز الحمید، ص ۱۶۵).

۴. بن‌عثیمین، محمد، مجموع فتاوی ورسائل، ج ۹، ص ۲۳۹.

۵. دویش، احمد، فتاوی اللجنة الدائمة، ج ۲، ص ۲۸۲؛ عصیمی تمیمی، صالح، بدع القبور أنواعها وأحكامها، ص ۴۶۷.

۶. بن‌عثیمین، محمد، مجموع فتاوی ورسائل، ج ۹، ص ۲۳۹؛ بن‌باز، عبدالعزيز، فتاوی نور علی الدرب، ص ۱۵۷.

ابن قیّم استناد کرده است؛<sup>۱</sup> درحالی که ابن تیمیه و ابن قیّم، نذر برای غیر الله را مانند قسم برای غیر الله، شرک اصغر می دانند. ابن تیمیه بر این باور است که وفای به این نذر واجب نیست، کفاره هم ندارد و نذرکننده باید استغفار کند. اما اگر چنین کسی مبلغ آن را صدقه یا هدیه به فقرا دهد، اجرش با خداوند است.<sup>۲</sup> معلوم است که فتوای ابن تیمیه در این رابطه به این دلیل است که وی چنین نذری را شرک اصغر و معصیت دانسته است و اگر نظر او مانند وهابیت بود، نباید چنین فتوایی می داد، بلکه باید فتوا به کفر چنین شخصی می کرد. چنان که سلیمان بن عبدالوهاب به آن اشاره کرده است.<sup>۳</sup> ابن قیّم نیز مانند استادش، این نوع از نذر را به عنوان یکی از مصادیق شرک اصغر معرفی کرده است.<sup>۴</sup>

## ۲. نذر برای خداوند و اهدای ثواب آن به اموات

در مورد نذر برای خداوند و اهدای ثواب آن به اموات، وهابیان بر این عقیده هستند که این نوع نذرها منعقد می شود؛ ولی به دلیل اینکه نذر معصیت است، عمل کردن به آن، جایز نیست و نذرکننده باید کفاره بدهد.

بن عثمان در این باره می نویسد:

«اگر نذر معصیت برای خداوند باشد (یعنی نذر کند کاری را انجام دهد که از گناهان است) مانند آنکه بگوید: «بر من واجب است خدا که فلان گناه را انجام دهد»، در این صورت، هم خود نذر و هم عملی که برای آن نذر شده، گناه محسوب می شود و کفاره بر آن واجب است.»<sup>۵</sup>

۱. عبدالوهاب، سلیمان، تیسیر العزیز الحمید، ص ۱۶۷-۱۶۶.

۲. «وَأَمَّا النَّذْرُ لِلْمَوْتَى مِنْ الْأَنْبِيَاءِ وَالْمَشَائِخِ وَغَيْرِهِمْ: أَوْ لِقُبُورِهِمْ أَوْ الْمَقِيمِينَ عِنْدَ قُبُورِهِمْ. فَهُوَ نَذْرُ شَرِكٍ وَمَعْصِيَةٌ لِلَّهِ تَعَالَى. سِوَاءِ كَانِ النَّذْرُ نَفَقَةً أَوْ ذَهَبًا أَوْ غَيْرَ ذَلِكَ وَهُوَ شَبِيهٌ بِمَنْ يَنْذِرُ لِلْكَنَائِسِ؛ وَالرَّهْبَانِ وَبُيُوتِ الْأَصْنَامِ. وَقَدْ ثَبَتَ فِي الصَّحِيحِ عَنِ النَّبِيِّ ﷺ أَنَّهُ قَالَ: {مَنْ نَذَرَ أَنْ يَطِيْعَ اللَّهَ فَلْيَطِعهُ وَمَنْ نَذَرَ أَنْ يَعْصِيَ اللَّهَ فَلَا يَعْصِهْ} "وقد اتفق العلماء على أن نذر المعصية لا يجوز الوفاء به؛ بل عليه كفارة يمين في أحد قولي العلماء وهذا إذا كان النذر لله وأما إذا كان النذر لغير الله فهو كمن يحلف بغير الله وهذا شرك. فيستغفر الله منه وليس في هذا وفاء ولا كفارة. ومن تصدق بالتقود على أهل الفقر والدين فأجره على رب العالمين." (ابن تیمیه، احمد، مجموع الفتاوى، ج ۱۱، ص ۵۰۴).

۳. عبدالوهاب، سلیمان، الصواعق الالهية، ص ۴۷.

۴. ابن قیّم، محمد، مدارج السالكين، ج ۱، ص ۳۵۳.

۵. «ونذر المعصية لله، ولكنه على معصية من معاصيه، مثل أن يقول: لله علي نذر أن أفعل كذا وكذا من معاصي الله؛ فيكون النذر والمنذور معصية... وأما نذر المعصية؛ فينقذ، لكن لا يجوز الوفاء به، وعليه كفارة يمين» (بن عثمان، محمد، مجموع

عبداللطیف آل‌الشیخ می‌گوید:

«اگر کسی برای خداوند، نذر کند و بخواهد نذرش را برای مجاورین نزد قبور، مصرف کند، جایز نیست و معصیت می‌باشد؛ چرا که اعانت و کمک کردن در مجاورت قبور جایز نیست؛ بلکه نذرکننده باید نذرش را در امورات شرعی مانند حجاج یا معتکفین در مسجد مصرف کند.»<sup>۱</sup>

بنابر آنچه بیان شد، از دیدگاه وهابیت هر دو قسم نذر دارای اشکال است. نذر برای غیر الله شرک و عبادت غیر الله است منعقد نمی‌شود و کفاره‌ای نیز ندارد. اما نذر برای خداوند در انجام معصیت، منعقد می‌شود اما حرام بوده و کفاره آن لازم است.

### نذرهای مسلمانان از دیدگاه فقه حنفی

عقیده تمامی مذاهب اسلامی بر این است که نذر تنها باید برای خداوند متعال و به قصد تقرب به او صورت گیرد که صورت‌های مختلفی دارد. فقیهان حنفی در آثار فقهی خود، نذر را به اقسام گوناگونی تقسیم کرده و برای هر یک احکامی بیان کرده‌اند، که در ادامه مورد بررسی قرار می‌گیرد.

#### الف) نذر معصیت

ابن نجیم مصری تصریح می‌کند که نذر برای معصیت خداوند صحیح نیست و بر اساس حدیث مشهور «لا نذر فی معصیة الله تعالی» نذرهایی که موجب گناه یا معصیت می‌شوند را بدون اعتبار می‌داند.<sup>۲</sup> مانند اینکه کسی نذر کند، در صورتی که فلان مشکل حل شد، فلان عمل حرام را انجام دهد.

#### ب) نذورات باطل

ابن نجیم سپس به نوع خاصی از نذر اشاره می‌کند که معمولاً به نیت برآورده شدن حاجات دنیوی (مانند بازگشت غایب، شفای مریض یا حل مشکل شخصی) انجام می‌شوند. برای

فتاوی ورسائل، ج ۹، ص ۲۳۹

۱. آل‌الشیخ، عبداللطیف، منهاج التأسيس والتقدیس، ص ۲۴۲.

۲. «وقد قدمنا أن النذر لا یصح بالمعصیة للحديث» (ابن‌نجیم، زین‌الدین، البحر الرائق، ج ۲، ص ۵۲۰)

مثال، فردی ممکن است به برخی از صالحان مراجعه کرده و بگوید: «اگر حاجتم برآورده شود، فلان مقدار طلا یا نقره یا غذا یا آب برای شما نذر می‌کنم». این نذر باطل است. همچنین اگر فرد منذور میت باشد و نذر کننده به نیت اموات یا اولیاء الهی نذر کند، چنین نذری صحیح نیست. علت صحیح نبودن آن است که نذر برای مخلوق جایز نیست. ابن نجیم در ادامه می‌گوید: «اگر فردی گمان کند که مخلوق (مانند میت یا ولی) می‌تواند بدون اذن خداوند در امور دنیوی دخالت کند، این اعتقاد کفرآمیز است و نذر به این نیت باطل است»<sup>۱</sup>.

### ج) نذر صحیح و مشروع

نذر صحیح نذری است که شرایط نذر در آن وجود داشته باشد. یعنی نذر برای خداوند باشد و نیت آن کمک به نیازمندان، امور دینی، تقویت شعائر دینی یا کمک به مساجد باشد. ابن نجیم مصری در این زمینه می‌نویسد:

«اللهم إلا أن قال يا الله إني نذرت لك إن شفيت مريضی، أو رددت غائبی أو قضیت حاجتی أن أطعم الفقراء الذين باب السيدة نفیسة، أو الفقراء الذين بباب الإمام الشافعی...»<sup>۲</sup>.

«مگر این که نذرکننده بگوید: خداوندا من برای تو نذر کردم که اگر مریضم را شفا بدهی یا گمشده‌ام را بر گردانی یا حاجتم را بر آورده کنی، فقرائی که بر در مقبره سیده نفیسه یا مقبره امام شافعی یا امام لیث می‌آیند را اطعام کنم، یا حصیر برای مساجد بخرم، یا روغنی برای چراغ مساجد تهیه کنم، یا مبلغی به کسی که برای شعائر آنان قیام می‌کند پرداخت کنم و اموری که فقرا از آن نفع می‌برند، درحالی که نذر برای خداوند است»

او معتقد است، جهت مصرف نذر باید رفاه فقرا و نیازمندان باشد و پرداخت آن به اغنیا

جایز نیست.

۱. «فقال الشيخ قاسم في شرح الدرر وأما النذر الذي ينذره أكثر العوام على ما هو مشاهد كأن يكون لإنسان غائب أو مريض، أو له حاجة ضرورية فيأتي بعض الصلحاء فيجعل سترة على رأسه فيقول يا سيدي فلان إن رد غائبی، أو عوفي مريضی أو قضیت حاجتی فلك من الذهب كذا، أو من الفضة كذا، أو من الطعام كذا، أو من الماء كذا، أو من الشمع كذا، أو من الزيت كذا فهذا النذر باطل بالإجماع، لوجه منها أنه نذر مخلوق والنذر للمخلوق لا يجوز؛ لأنه عبادة والعبادة لا تكون للمخلوق ومنها أن المنذور له ميت والميت لا يملك ومنها إن ظن أن الميت يتصرف في الأمور دون الله تعالى واعتقاده ذلك كفر» (همان، ص ۵۲۰-۵۲۱).

۲. همان.

بنابراین، در فقه حنفی برخی از نذرها حرام و معصیت است و برخی باطل و منعقد نمی‌شود و برخی نیز با دارا بودن شرایطی جایز است.

### نذر برای اموات

نذر برای اموات از جمله موارد اختلافی میان وهابیت و سایر مسلمانان است. فقهای حنفی مانند دیگر فقهای مذاهب اسلامی بر این اعتقادند که این‌گونه نذرها، به سبب برخی از شرایط، ممکن است حرام باشد و با دارا بودن شرایط خاصی، جایز و صحیح باشد. حصکفی حنفی (م ۱۰۸۸ق) از بزرگان فقهای حنفی در خصوص نذری که بسیاری از مردم برای اموات خود انجام می‌دهند، می‌نویسد:

«واعلم أن النذر الذي يقع للاموات من أكثر العوام وما يؤخذ من الدراهم والشمع والزيت ونحوها إلى ضرائح الاولياء الكرام تقرباً إليهم فهو بالاجماع باطل وحرام ما لم يقصدوا صرفها للفقراء الا نام.»

نذری که بیشتر مردم برای مردگان می‌کنند و پول، شمع، روغن و امثال آن را به بارگاه اولیا می‌برند تا موجب تقریبشان باشد، اجماعاً باطل و حرام است، مگر آنکه قصدشان صرف آن برای فقرای مردم باشد.

بر این اساس اگر فردی نذری برای اموات کند، اما قصد تقرب به آنان نداشته باشد و صرفاً هدفش کمک به فقرا و نیازمندان باشد، چنین نذری شرعاً صحیح است و وفای به آن واجب خواهد بود. در مقابل، وهابیت اینگونه نذرها را مصداق شرک و عبادت غیر خدا تلقی کرده و آن را باطل می‌دانند.

احمد بن محمد طحطاوی (م ۱۲۳۱ق) همان تفصیل و عبارات بحر الرائق را مطرح کرده و می‌نویسد: نذر برای اموات یا موارد مشابه باید در جهت مصرف فقراء باشد و اینکه گفته می‌شود برای فلان شخص نذر کرده است، در صورتی صحیح است که نام آن شخص را تنها برای تعیین جهت مصرت آورده باشد.<sup>۱</sup>

۱. «ومنها أن المنذور له ميت والميت لا يملك ومنها أنه إن ظن أن الميت يتصرف في الأمور دون الله تعالى كفر اللهم إلا أن يقول يا لله إني نذرت لك أن شفيت مريضاً أو رددت غائباً أو قضيت حاجتي أن أطعم الفقراء الذين يباب السيدة نفيسة أو الفقراء الذين يباب الإمام الشافعي أو الإمام الليث أو اشتري حصراً لمساجد هم أو زيتاً لوقودها أو دراهم لمن يقوم بشعائرها إلى غير ذلك مما يكون فيه نفع للفقراء والنذر لله عز وجل وذكر الشيخ إنما هو بيان لمحل صرف النذر لمستحقه القاطنين

ابن عابدین حنفی (م ۱۲۵۲ق) نیز در شرح «رد المحتار علی الدر المختار» همان تفصیل بحر الرائق را ذکر کرده است. ابن عابدین قائل است نذری که برای ضریح اولیای الهی می‌شود، بدون قصد مصرف فقرا حرام و جایز نیست ولی اگر جهت مصرف فقرا شود، جایز است.<sup>۱</sup>

شاه فضل رسول بن عبدالحمید القادری البدایونی الیهندی الحنفی (م ۱۲۸۹ق) از علمای هند درباره نذر بر این عقیده است که اگر نذر با نیت خالص برای خداوند انجام شود و در آن نام پیامبر ﷺ یا ولی خدا، تنها برای تعیین مصرف نذر یا برای طریق توسل ذکر شود، نذر جایز است. وی معتقد است اگر شخصی بگوید: «ای خدا، اگر حاجتم را بدهی، به خادمین فلان قبر صدقه می‌دهم و ثوابش را به نبی یا ولی تقدیم می‌کنم» یا بگوید: «به برکت فلانی، ثواب صدقه‌ام را به او هدیه می‌کنم»، این نذر مشروع است. اما آنچه گفته می‌شود که این نذر مخصوص نبی یا ولی باشد، نذر شرعی نیست، هر چند از آن نهی نشده و در زمره اعمال ممنوع نیز قرار نمی‌گیرد.»<sup>۲</sup>

«داوود خالدی بغدادی» عالم و فقیه حنفی، بیان می‌کند که در نذر، مسئله دائر مدار، نیت نذرکننده است. اگر قصد نذرکننده، خود میّت و تقرّب جستن به سوی او به وسیله این نذر باشد، این کار جایز نیست و نذر باطل است؛ ولی اگر نذر برای تقرّب به خداوند است و اینکه زندگان به نوعی از این نذر بهره برده و ثواب آن به میّت برسد، در این صورت واجب است که به نذر وفا کنند.<sup>۳</sup> شیخ داوود خالدی بغدادی در ادامه به ذکر سخنان علمای

برباطه أو مسجده فيجوز بهذا الاعتبار إذ مصرف النذر الفقراء وقد وجد ولا يجوز أن يصرف ذلك إلى غنى غير محتاج إليه ولا لشريف منصب لأنه لا يحل له الأخذ ما لم يكن محتاجا فقيرا ولا لذي نسب لأجل نسبه ما لم يكن فقيرا ولا لذي علم لأجل علمه ما لم يكن فقيرا» (طحطاوي، احمد، حاشية الطحطاوي، ج ۱، ص ۶۹۳).

۱. ابن عابدین، محمد امین، رد المحتار، ج ۳ ص ۴۲۷.

۲. «وان كان النذر لله وذكر النبي والولي لبيان المصرف او بطريق التوسل بان يقول يا الله ان قضيت حاجتي اتصدق على خادم قبر فلان للنبي او الولي او اطعم الفقراء على بابه او يقول يا الله ان قضيت حاجتي ببركة فلان له كذا اي اهدي ثوابه له او يقول يا نبي الله يا ولي الله ادع في قضاء حاجتي من الله ان قضى حاجتي اهدي لك ثواب صدقة كذا فالنذر في هذه الصور كلها جائز واما ما يقولون هذا نذر النبي هذا نذر الولي فليس بنذر شرعي ولا داخلا في النهي وليس فيه معنى النذر الشرعي...» (قادری، شاه فضل رسول، سيف الجبار، ص ۱۴)

۳. «إن المسألة تدور مدار ثبات الناذرين وإنما الأعمال بالنيات، فإن كان قصد الناذر، الميّت نفسه والتقرب إليه بذلك، لم يجز قولاً واحداً، وإن كان قصده وجه الله تعالى، وانتفاع الأحياء بوجه من الوجوه، وثوابه لذلك المنذور له الميّت، سواء عيّن وجهاً

اهل سنت می‌پردازد که همین قول را بیان کرده‌اند و از علمایی چون آذرعی، زرکشی، ابن حجر هیثمی، رملی شافعی، قبانی بصری، رافعی، نووی، علاء‌الدین حنفی، خیرالدین رملی، شیخ محمد الغزی و شیخ قاسم الحنفی نام می‌برد.<sup>۱</sup>

در مجموع، آنچه از اقوال فقهای حنفی درباره نذر به‌دست آمده، این است که آنان نذر برای غیر خداوند را در صورتی حرام و باطل می‌دانند که هدف، تقرب به غیر الله باشد؛ اما اگر نذر برای خداوند باشد و جهت مصرف آن برای غیر الله، اعم از اموات یا زندگان، اشکالی ندارد.

### نقد دیدگاه وهابیت در خصوص نذر

با توجه به آنچه بیان شد، میان دیدگاه‌های وهابیان و احناف تفاوت‌های بنیادینی وجود دارد. وهابیت، نذر برای غیر خداوند را شرک، عبادت غیر خدا و موجب خروج از اسلام می‌داند؛ همچنین نذر برای خداوند با نیت اهدای ثواب آن به اموات را عملی حرام تلقی می‌کند. این باورهای وهابیت، برخاسته از شبهاتی است که در ادامه مورد بررسی قرار می‌گیرد.

### توهم تشابه میان نذر مسلمانان و نذر مشرکان

وهابیان بر این باورند، نذرهای مسلمانان به مشابه نذرهایی است که مشرکان برای معبودان خود انجام می‌دادند و همان‌گونه که آن اعمال شرک و عبادت غیر خداوند تلقی می‌شود، این‌گونه نذرهای مسلمانان نیز شرک و عبادت غیر خداوند است.<sup>۲</sup>

اولین نکته در پاسخ به این شبهه این است که اگر قرار باشد هر کسی را به مجرد کوچک‌ترین شباهت عملی به مشرکان از دایره مسلمانان خارج و مشرک بدانیم، باید خود وهابی‌ها را مشرک دانست! چراکه به‌عنوان مثال در ایام حج، همان‌طور که مشرکان به

من وجوه الانتفاع أو أطلق القول فيه. ويكون هناك ما يطرّد الصّرف فيه في عرف الناس من مصالح القبر أو أهل بلده أو مجاوريه أو الفقراء عامة أو أقرباء الميت أو نحو ذلك، ففي هذه الصورة يجب الوفاء بالنذور... وحكي القول بذلك عن الأذرعي، والزرکشي، وابن حجر الهيثمى المكي، والزملي الشافعي، والقباني البصري، والرافعي، والنووي، وعلاء الدين الحنفى، وخير الدين الرملي الحنفى، والشيخ محمد الغزى، والشيخ قاسم الحنفى. (خالدی، داود، صلح الاخوان، ص ۱۰۴-۱۰۵)

۱.

۲. بن فوزان، صالح، المنتقى من فتاوى الفوزان، ج ۱، ص ۲۳۰.

دور بت‌های داخل کعبه طواف می‌کردند، امروزه نیز وهابیان به دور کعبه می‌چرخند و سنگی با نام حجرالأسود را می‌بوسند. اگر مشرکان در روز عید قربان و در منا قربانی می‌کردند، وهابیان نیز این کار را انجام می‌دهند. پس باید آنان نیز مشرک باشند! بنابراین صرف شباهت در جنبه‌ای از اعمال نمی‌تواند منجر به حکم یکسان در مورد دو چیز باشد. در نذر کردن نیز همین خلط تشابه به وجود آمده است. در حقیقت نذر برای اولیای خدا، زمانی به عنوان عبادت اولیای الهی شناخته می‌شود که اعتقاد به ربوبیت اولیا وجود داشته باشد؛ زیرا عبودیت متفرع بر ربوبیت است، همچنان که در آیه مبارکه ﴿إِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاعْبُدُون﴾<sup>۱</sup> عبادت متفرع بر ربوبیت شده است؛ یعنی چون خداوند رب است، شایسته پرستش است. لذا اگر کسی عملی را انجام دهد که همراه با اعتقاد به ربوبیت نباشد، عمل او عبادت نخواهد بود، هر چند ظاهر عمل مانند عمل عبادی باشد.

وضعیت در مورد نذر نیز به همین گونه است. باید از اعتقاد نذرکننده سؤال پرسید، اگر اعتقاد به ربوبیت اولیای الهی داشته باشد، در آن صورت حکم به شرک داده می‌شود. همچنان که پیامبر ﷺ زمانی که شخصی نذر کرده بود که در مکانی ذبح کند، ابتدا از آن مکان پرسید که آیا آنجا مخصوص ذبح مشرکان است یا نه؟ پس از آنکه مشخص شد چنین نیست، حضرت ذبح در آن مکان را بدون اشکال دانستند. در سنن ابن ماجه از ابن عباس نقل شده است: شخصی از رسول خدا ﷺ سوال کرد که نذر کرده‌ام در بوانه قربانی کنم؛ حضرت فرمودند: «آیا در وجودت چیزی از امر جاهلیت (اعتقادات مشرکان) هست؟» گفت: خیر؛ پس حضرت فرمودند: «به نذرت وفا کن.»<sup>۲</sup>

در سنن ابی داود نیز روایتی مشابه ذکر شده است که شخصی نزد پیامبر ﷺ آمد و گفت نذر کرده‌ام در مکانی به نام بوانه قربانی کنم. حضرت پرسیدند: «آیا در آنجا بتی از بت‌های جاهلیت پرستیده شده است؟» گفت: خیر. حضرت فرمودند: «آیا آن مکان محل

۱. سوره انبیاء، آیه ۹۲.

۲. «أن رجلا جاء إلى النبي ﷺ، فقال: يا رسول الله، إنني نذرت أن أذبح ببوانة، فقال: «في نفسك شيء من أمر الجاهلية؟» قال: لا، قال: أوف بنذرك» (ابن ماجه، محمد، سنن ابن ماجه، ج ۱، ص ۶۸۸).

برگزاری مراسمی خاص از اعیاد جاهلیت بوده است؟» گفت: خیر. حضرت فرمودند: «به نذرت وفا کن»<sup>۱</sup>

این روایت که با عبارات مختلف در منابع اهل سنت، نقل شده است،<sup>۲</sup> نشان‌دهنده آن است که صرفِ مکان، دلیل بر شرک نیست؛ و زمانی که نیت نذرکننده، عاری از هرگونه امور جاهلیت باشد، باید به آن عمل شود.

### اشتباه و هابیت در معنای مختلف حرف «لام»

همه مذاهب اسلامی بر این باورند که نذر باید برای قصد قربت و تقرب به خداوند باشد و اگر چنین نیتی نبود، نذر، باطل است؛<sup>۳</sup> لذا صیغه نذر را با جمله «لله علی» جاری می‌کنند؛ یعنی برای خداوند بر من است که این نذر را انجام دهم. لام استفاده‌شده در «لله» برای بیان «تقرب» است که در نذر استفاده می‌شود.

حال اگر کسی به جای «لله علی» از عبارت «لفلان علی» استفاده کند، آیا می‌توان به صرف ظاهر این عبارت، نذر غیر خدا را از آن استفاده کرد؟ یعنی همان‌گونه که «لام» استفاده‌شده در «لله» برای بیان «تقرب» بود، این «لام» هم برای بیان «تقرب» باشد و گوینده چنین نذری را به شرک، متهم کرد؟ درحالی‌که هر جا در نذر از «لام» استفاده شد، معنایش تقرب نیست؛ چراکه ممکن است به معنای «انتفاع» باشد؛ چنان‌که صدقه هم باید برای خداوند انجام بشود؛ ولی در قرآن می‌خوانیم: ﴿إِنَّمَا الصَّدَقَاتُ لِلْفُقَرَاءِ وَالْمَسَاكِينِ وَ...﴾<sup>۴</sup> «صدقات فقط برای فقرا، مساکین و... است.»

بهوضوح، مشخص است که مراد از «لام» در «للفقراء» بیان تقرب نیست؛ بلکه «لام انتفاع» می‌باشد؛ لذا اگر کسی بگوید: نذرت للنبی هکذا؛ من برای پیامبر ﷺ چنین نذری کردم، مقصود این نیست که برای پیامبر با نیت الوهیت و ربوبیت و تقرب به او نذر کرده است، بلکه مقصود این است که برای خدا نذر کردم و این نذر برای انتفاع

۱. ابوداود، سلیمان، سنن أبی داود، ج ۳، ص ۲۳۸.

۲. ابن حنبل، احمد، مسند، ج ۴۴، ص ۶۲۱.

۳. جزیری، عبدالرحمن، الفقه علی المذاهب الأربعة، ج ۲، ص ۱۲۷.

۴. سوره توبه، آیه ۶۰.

پیامبر ﷺ می‌باشد.

با توجه به نکته مذکور، می‌توان نتیجه گرفت، اکثر نذرهایی که مردم از روی عادت بر زبان جاری می‌کنند، از این باب است. سعد بن عباده از پیامبر اکرم ﷺ پرسید: «برای مادرش که از دار دنیا رحلت کرده چه صدقه‌ای بافضیلت‌تر است؟ حضرت فرمودند: آب. سعد بن عباده چاهی را حفر کرد و گفت: «هذه لأم سعد؛ این برای مادر سعد.»<sup>۱</sup> اگر گفتن چنین عبارتی شرک بود؛ پس این صحابی پیامبر ﷺ هم مشرک است و پیامبر ﷺ باید او را متنبه می‌کردند؛ درحالی‌که روشن است، «هذه لأم سعد» به معنای «هذه الأبر صدقة لها»<sup>۲</sup> می‌باشد؛ یعنی اهدای ثواب آن برای مادرش باشد.

از این رو نذرکردن قربانی که مسئله‌ای شایع بین مسلمانان می‌باشد، تنها برای خداوند است؛ ولو اینکه در لفظ، نام غیر خدا ذکر شود. شیخ داوود خالدی بغدادی، عالم و فقیه حنفی مذهب در کتابش می‌نویسد:

بمعنى أن الثواب لهم والمذبح منذور لوجه الله كقول الناس: ذبحت لميتي  
بمعنى تصدقتُ عنه وكقول القائل: ذبحت للضيف بمعنى انه كان السبب في  
حصول الذبح لا ان الذبح تقرباً اليه؛<sup>۳</sup>

پاداش (قربانی نذر) و ثوابش به ایشان (اموات) می‌رسد و آنچه قربانی شده، با قصد قربت به خدا نذر شده است؛ مانند اینکه مردم می‌گویند: برای مرده‌ام قربانی کردم؛ یعنی از طرف او این قربانی را صدقه دادم یا اینکه می‌گویند: برای مهمان، قربانی کردم. به این معنی که او سبب انجام این قربانی بوده است، نه اینکه عمل ذبح برای تقرب به او باشد.

نتیجه آنکه، طرح فرض مسئله مذکور از سوی وهابیت، به دلیل نوع نگاه ضد اسلامی آنان به مسائل دینی است و الا قبل از پیدایش تفکر وهابیت، اگر کسی در نذر، نام غیر خدا را ذکر می‌کرد، سخن او حمل بر صحت می‌شد؛ چراکه هیچ مسلمانی برای غیر خداوند، نذر نمی‌کند.

۱. ابوداود، سلیمان، سنن ابی داود، ج ۲، ص ۱۳۰.

۲. عظیم‌آبادی، محمد شمس‌الحق، عون المعبود، ج ۵، ص ۹۶.

۳. خالدی، داود، صلح الاخوان، ص ۱۰۵.

## سیره مسلمین

سیره و روش مسلمانان بر این بوده است که برای خداوند نذر می‌کردند و ثواب و پاداش آن را برای انبیا، اولیا، علما و بزرگان یا اموات خودشان هدیه می‌کردند و علما و فقهای سلف بر چنین کاری خرده نمی‌گرفتند و آن را شرک نمی‌دانستند. فهم و روش فقهای مسلمان در طول تاریخ اسلامی نیز گواهِ صدق ادعای شیعیان و اهل سنت است؛ که در اینجا به برخی از این موارد اشاره می‌شود.

الف. مردم برای قبر عبدالله بن علی بن ابی طالب علیه السلام نذر می‌کردند؛ چنان‌که یاقوت حموی در معرفی «مذار» می‌گوید: مذار در منطقه میسان بین واسط و بصره است و تا بصره چهار روز فاصله دارد. قبر عبدالله بن علی بن ابی طالب علیه السلام در آن‌جا قرار دارد و دارای بارگاه بزرگ و باشکوهی است. مردم، اموال زیادی برای عمارت و آبادانی آن خرج می‌کنند و دارای موقوفات زیادی است و برای این قبر و بارگاه، نذرهای فراوانی می‌شود.<sup>۱</sup>

ب. نذر برای حماد بن مسلم دباس (متوفای ۵۲۵ هـ.ق)؛ وی یکی از عالمان و صالحانی است که مردم حتی در زمان حیات نیز برای او نذرهای فراوانی می‌کردند، چنان‌که ابن تغری بردی، از علمای مذهب حنفی، به این مسئله تصریح کرده است.<sup>۲</sup>

ج. اهل سنت در کنار قبر احمد بن علی بدوی نذر می‌کردند، چنان‌که آمده است:  
وفیها السید الجلیل الشیخ احمد بن علی بن ابراهیم بن محمد بن ابی بکر البدوی الشریف الحسیب النسیب... ودفن بطندتا وجعلوا علی قبره مقاما واشتهرت کراماته وکثرت النذور الیه؛<sup>۳</sup>  
در این سال (سال ۶۷۵)، سید جلیل شیخ احمد بن علی بن محمد بن ابی بکر البدوی از دنیا رفت،... در طندتا دفن شده و روی قبرش مقامی ساختند، کراماتش مشهور است و نذر برای او زیاد آورده می‌شود.

د. قبر مؤدب در تونس قرار دارد. هنگامی که دریا طوفانی و موج شود، مردم، دریا را به

۱. حموی، یاقوت، معجم البلدان، ج ۵، ص ۸۸.

۲. «صار الناس بترددون إلیه وینذرون إلیه النذور، فیقیل الأموال و یفزعها علی أصحابه» (ابن تغری بردی، یوسف، النجوم الزاهرة فی ملوک مصر و القاهرة، ج ۵، ص ۲۴۶، حوادث ۵۲۵ هـ.ق)

۳. ابن عماد، عبد الحی، شذرات الذهب، ج ۷، ص ۶۰۵.

او قسم می‌دهند. مردم از خاک قبر او همراه خود می‌برند و برای او نذر می‌کنند.<sup>۱</sup>

و. شیخ محمد بن دشم یا محمد بن رستم که از علمای حنبلی و از بزرگان مشایخ عراق محسوب می‌شود در روستای راذان، نزدیک سامرا، از دنیا رفت و در همان جا به خاک سپرده شد.<sup>۲</sup> مردم نذرهای فراوانی برای وی می‌کردند.<sup>۳</sup> همچنین برای عبیدالله بن محمد معروف به ندور، نذر می‌کردند؛<sup>۴</sup> چنان‌که قاضی ابوالقاسم علی بن محسن تنوخی به نقل از پدرش ماجرای مفصلی دربارهٔ این قبر و علت شهرت آن به قبر نذور بیان کرده است؛<sup>۵</sup> همچنین نذر برای «تل توبه»<sup>۶</sup> و نذر برای قبر یکی از انبیای الهی در نزدیکی باب‌الیهود در شهر حلب<sup>۷</sup> و... دیگر نذرهای مسلمانان می‌باشد.

### فتوای فقها

بنا بر اتفاق مذاهب اسلامی نذر باید با قصد قربت و برای تقرب به خداوند باشد و اگر چنین نیتی نباشد، نذر باطل است.<sup>۸</sup> داوود بن سلیمان نقشبندی خالدي بغدادی برای تأیید نذر کردن و قربانی کردن برای اولیای الهی، نام تعدادی از علما را که در بین اهل سنت کلام نافذی دارند، مطرح می‌کند و می‌نویسد: این سخن [صحت نذر و قربانی کردن برای اولیای الهی] از علمایی همچون «أذرعی، زرکشی، ابن حجر هیثمی، رملی الشافعی، قبانی البصری، رافعی، نووی، علاءالدین الحنفی، خیرالدین الرملي الحنفی، شیخ محمد الغزی و شیخ قاسم الحنفی، نقل شده است.<sup>۹</sup>

۱. حموی، یاقوت، معجم البلدان، ج ۲، ص ۶۲.

۲. ذهبی، محمد، سیر أعلام النبلاء، ج ۲۱، ص ۲۶۱.

۳. یافعی، عبدالله، مرآة الجنان، ج ۳، ص ۳۵۶.

۴. حموی، یاقوت، معجم البلدان، ج ۴، ص ۳۰۵.

۵. خطیب بغدادی، احمد، تاریخ مدينة السلام، ج ۱، ص ۴۴۷-۴۴۶.

۶. حموی، یاقوت، معجم البلدان، ج ۲، ص ۴۱.

۷. همان، ص ۲۸۴.

۸. جزیری، عبدالرحمن، الفقه على المذاهب الأربعة، ج ۲، ص ۱۲۷.

۹. «وحكى القول بذلك عن الأذرعی، والزرکشی، وابن حجر الهیثمی المکی، والزملي الشافعی، والقبانی البصری، والرافعی، والنووی، وعلاء الدين الحنفی، وخیر الدين الرملي الحنفی، والشیخ محمد الغزی، والشیخ قاسم الحنفی.» (بغدادی، داود،

صلح الاخوان، ص ۱۰۵؛ امینی، عبدالحسین، الغدير، ج ۵، ص ۲۶۲).

امروزه نیز علمای اهل سنت، حکم به جواز این گونه نذرها داده‌اند؛ از این رو در کتاب محمود الفتاوی که حاوی فتاوی دارالعلوم زاهدان بوده و زیر نظر مولوی عبدالحمید به چاپ رسیده، مسئله مذکور و جواز آن مطرح شده است؛ چنان که مولف می‌نویسد:

هرگاه برای ما مشکلی پیش آمد، دعا می‌کنیم که خدایا به شرافت و دوستی فلان بزرگ، مشکل ما را حل کن و نذر می‌کنیم یک رأس گوسفند در محلی خاص برای رضای خدا و ثواب به روح رسول الله ﷺ و ثواب به روح صد و بیست و چهار هزار پیامبر ﷺ و ثواب به روح حضرت علی ﷺ ذبح کنیم. وقت ذبح بسم الله و الله اکبر نیز می‌گوییم. حال حکم مسئله چیست؟... اگر منظور از ذبح در فلان جا تعظیم همان مکان یا شخص یا تقرب غیر الله باشد، این نذر، نذر غیر الله شمرده می‌شود و این گوسفند هم حرام است. اگرچه وقت ذبح، اسم خدا گفته شود... اگر حیوان را به نام الله ذبح کند و ثوابش را به روح بزرگی ببخشد، این، نذر غیر الله نیست و جایز است... البته اگر این طور بگوید: اگر خداوند متعال خواسته مرا برآورده سازد، من ثواب ده تومان را برای رضای خدا، به فلان بزرگ می‌بخشم، در این هیچ اشکالی وجود ندارد.<sup>۱</sup>

### نتیجه گیری

محمد بن عبدالوهاب و پیروان او برخی از نذرهای مسلمانان را شرک آمیز پنداشته‌اند؛ درحالی که ملاک شرک بودن یک عمل، نیت است که امری قلبی محسوب می‌شود و هیچ کس نمی‌تواند صرفاً از ظاهر عمل، نیت خوانی کرده و حکم به شرک یا کفر دهد. بنابراین، اگر کسی برای اولیای خدا با نیت استقلال آن‌ها از خداوند نذر یا ذبح کند، این عمل شرک محسوب می‌شود؛ اما اگر فردی آنان را بندگان مطیع خدا بداند و به قصد تقرب به خداوند، ثواب قربانی یا نذر را به ایشان اهدا کند، چنین عملی موجب شرک نخواهد بود. بزرگان علمای مسلمان به‌ویژه مذهب حنفی که بزرگ‌ترین مذهب فقهی اهل سنت و یکی از پرجمعیت‌ترین مذاهب اسلامی است، اعمالی مانند نذر و ذبح که امروز توسط مسلمانان انجام می‌شود را صحیح دانسته و به مشروعیت آن تصریح کرده‌اند.

۱. مفتی خدا نظر، محمود الفتاوی، ص ۲۹۱-۲۸۸.

## فهرست منابع

١. قرآن كريم.
٢. ابن اثير، مبارك بن محمد، **النهاية في غريب الحديث والأثر**، تحقيق: طاهر احمد الزاوى-محمود محمد الطناحى، بيروت: المكتبة العلمية، ١٣٩٩ق.
٣. ابن ادريس البهوتى، منصور بن يونس، **كشاف القناع عن متن الإقناع**، بی جا: دار الكتب العلمية، بی تا.
٤. ابن تغرى بردى، يوسف بن تغرى بردى، **النجوم الزاهرة في ملوك مصر والقاهرة**، مصر: وزارة الثقافة والإرشاد القومى، دار الكتب، بی تا.
٥. ابن تيميه، احمد بن عبدالحليم، **مجموع الفتاوى**، مدينه: مجمع الملك فهد لطباعة المصحف الشريف، ١٤١٦ق.
٦. ابن حنبل، احمد بن محمد، **مسند الامام أحمد بن حنبل**، تحقيق: شعيب الأرنؤوط، عادل مرشد وديگران، بی جا: مؤسسة الرسالة، چاپ اول، ١٤٢١ق.
٧. ابن عابدين، محمد امين بن عمر، **رد المحتار على الدر المختار**، رياض: دار عالم الكتب، ١٤٢٣ق.
٨. ابن عماد، عبد الحى بن احمد، **شذرات الذهب**، تحقيق: عبدالقادر الانؤوط-محمود الانؤوط، بی جا: دار ابن كثير، چاپ اول، ١٤١٢ق؛ ١٩٩١م.
٩. ابن قيم، محمد بن ابى بكر، **مدارج السالكين بين منازل إياك نعبد وإياك نستعين**، تحقيق: محمد المعتصم بالله البغدادي، بيروت: دار الكتاب العربى، چاپ سوم، ١٤١٦ق.
١٠. ابن ماجه قزوینى، محمد، **سنن ابن ماجه**، تحقيق: محمدفؤاد عبدالباقي، بی جا: دار إحياء الكتب العربية، بی تا.
١١. ابن نجيم، زين الدين بن ابراهيم، **البحر الرائق شرح كنز الدقائق**، بيروت: دار الكتب العلميه، چاپ اول، بی تا.
١٢. ابوداود، سليمان بن اشعث، **سنن أبى داود**، تحقيق: محمد محى الدين عبدالحميد، بيروت: المكتبة العصرية، بی تا.
١٣. امينى، عبدالحسين، **الغدير فى الكتاب و السنة والأدب**، بی جا: مركز الغدير للدراسات الاسلاميه، ١٤١٦ق.
١٤. آل الشيخ، عبداللطيف بن عبدالرحمن، **منهاج التأسيس والتقديس فى كشف شبهات داود بن جرجيس**، بی جا: دار الهداية، بی تا.
١٥. بن باز، عبدالعزيز بن عبدالله، **فتاوى نور على الدرب**، بی جا: بی نا، بی تا.
١٦. بن عثيمين، محمد بن صالح. **مجموع فتاوى ورسائل فضيلة الشيخ محمد بن صالح العثيمين**.

- تحقيق: فهد بن ناصر السليمان، بي جا: دار الوطن؛ دار الثريا، چاپ آخر، ١٤١٣ق.
١٧. بن فوزان، صالح، **المنتقى من فتاوى الفوزان**، امارات: مكتبة الفرقان، چاپ دوم، ١٤٢٦ق.
١٨. جزيري، عبدالرحمن بن محمد، **الفقه على المذاهب الأربعة**، بيروت: دار الكتب العلمية، چاپ دوم، ١٤٢٤ق.
١٩. حموي، ياقوت بن عبدالله، **معجم البلدان**، بيروت: دار صادر، چاپ دوم، ١٩٩٥م.
٢٠. خالدى، داود بن سليمان، **صلح الاخوان من اهل الايمان و بيان الدين القيم فى تبرئه ابن تيميه وابن القيم**، بمبئي: مطبعة نخبه الاخبار، ١٣٠٦ق.
٢١. خطيب بغدادى، احمد بن على، **تاريخ مدينة السلام وأخبار محدثيها وذكر قاطناتها العلماء من غير أهلها ووارديها (المعروف بتاريخ بغداد)**، تحقيق: بشار عواد معروف، بيروت: دار الغرب الإسلامى، چاپ اول، ١٤٢٢ق.
٢٢. دويش، احمد، **فتاوى اللجنة الدائمة للبحوث العلمية والإفتاء**، بي جا: الرئاسة العامة للبحوث العلمية والإفتاء، بي تا.
٢٣. ذهبى، محمد بن احمد، **سير أعلام النبلاء**، تحقيق: مجموعة من المحققين بإشراف الشيخ شعيب الأرنؤوط، بيروت: مؤسسة الرسالة، چاپ سوم، ١٤٠٥ق.
٢٤. زبيدى، محمد بن محمد، **تاج العروس من جواهر القاموس**، تحقيق: مجموعة من المحققين، بي جا: دار الهداية، بي تا، بي نا، بي تا.
٢٥. طحطاوي، احمد بن محمد، **حاشية الطحطاوى على مراقى الفلاح شرح نور الإيضاح**، تحقيق: محمد عبدالعزيز الخالدي، بيروت: دار الكتب العلمية، چاپ اول، ١٤١٨ هـق.
٢٦. عبدالوهاب، سليمان بن عبدالله، **الصواعق الالهية فى الرد على الوهابية**، تحقيق: سراوى، بيروت: دار ذوالفقار، چاپ اول، ١٩٩٨م.
٢٧. عبدالوهاب، سليمان بن عبدالله، **تيسير العزيز الحميد فى شرح كتاب التوحيد الذى هو حق الله على العبيد**، بيروت: المكتب الاسلامى، چاپ اول، ١٤٢٣ق.
٢٨. عصيمي تيمى، صالح بن مقبل، **بدع القبور أنواعها وأحكامها**، رياض: دار الفضيلة، چاپ اول، ١٤٢٦ق.
٢٩. عظيم آبادى، محمد شمس الحق، **عون المعبود شرح سنن أبى داود**، تحقيق: عبدالرحمن محمد عثمان، مدينة: المكتبة السلفية، چاپ دوم، ١٣٨٨ق.
٣٠. فراهيدى، خليل، **العين**، تحقيق: مهدي المخزومي-ابراهيم السامرائى، بي جا: دار و مكتبة الهلال، بي تا.
٣١. قادري، شاه فضل رسول، **سيف الجبار المسلول على أعداء الأبرار**، بي جا: ١٣٢١ق.
٣٢. مفتى خدا نظر، **محمود الفتاوى** (فتاوى دارالعلوم زاهدان)، زير نظر مولوى عبدالحميد، زاهدان:

نشر صديقي، چاپ سوم، ١٣٨٥ق.

٣٣. يافعي، عبدالله بن اسعد، مرآة الجنان وعبرة اليقظان في معرفة ما يعتبر من حوادث الزمان،

بيروت: دار الكتب العلمية، چاپ اول، ١٤١٧ق.